مطالعات تاریخ اسلام
سال نهم / شمارهٔ ۳۵/ زمستان ۱۳۹۶

شلیک توپ ماه رمضان به روایت اسناد آرشیو ملی ایران

الهام ملک‌زاده[۱]

چکیده: در دوران معاصر، شلیک توپ رمضان از بهترین روش‌های اطلاع دادن وقت سحر و افطار، کار سخت و پرهزینه‌ای بود. در دوره ناصری، هزینه‌ها توسط حاکمان ولایات و با پیروزی انقلاب مشروطه توسط وزات داخله تأمین می‌شد. در دوران نابسامان حکومت احمدشاه، این هزینه‌ها معضل وزارتخانه‌های داخله، مالیه و جنگ شد و هیچ‌یک هزینه‌های شلیک توپ را نمی‌پذیرفتند. در دورهٔ رضاشاه، شلیک توپ و هزینه‌هایش ابتدا بر عهدهٔ ارکان حرب کل قشون و سپس از دی ۱۳۱۰ش. بر عهده وزارت داخله قرار گرفت و سامان یافت. به مرور این شیوه منسوخ و از رمضان ۱۳۱۹ش. عملاً انجام نشد و از ۱۳۲۲ش. پخش اذان از رادیو ایران، جای شلیک توپ را گرفت. این مقاله با روش اسنادی-تحلیلی مبتنی بر داده‌های اسناد آرشیو ملی ایران، در پی پاسخ دادن به این سؤالات است که اساساً شلیک توپ رمضان چه معنایی داشته، از چه زمانی مرسوم گردیده و دلیل منسوخ شدن آن، چه بوده است؟ لذا روند اقدامات دولت در خصوص شلیک توپ ایام رمضان و تحولات منجر به تغییر روش آگاه کردن مردم، همچنین آسیب‌ها و مشکلات مربوط به این موضوع را شناسایی می‌کند و آنها را مورد تحلیل قرار می‌دهد. نتیجه اینکه بالا بودن هزینه‌های شلیک توپ و کمرنگ شدن مناسک دینی در خلال حکومت رضاشاه، موجب نادیده گرفتن این وظیفه از سوی دولت شد و اعلام وقت روزه‌داری به مؤمنان سپرده شد تا به شیوهٔ سنتی عمل کنند. این روند تا سال ۱۳۲۲ که برای اولین بار اذان از رادیو پخش شد ادامه یافت.

واژه‌های کلیدی: شلیک توپ رمضان، ناصرالدین شاه، احمدشاه، رضاشاه، رادیو، سحری، افطار

۱ عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی elhammalekzadeh@ihcs.ac.ir
تاریخ دریافت: ۹۶/۰۵/۰۷ تاریخ تأیید: ۹۶/۰۹/۰۷

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.7.6]

Ramadan Cannon-Firing Tradition Documented by Iranian National Archives

Elham Malekzadeh[1]

Abstract: In the contemporary era, Ramadan cannon-firing tradition was one of the most difficult and costly methods to make people of aware of dawn and Iftar time. In Naseri Era, the costs were borne by the rulers of the provinces, and during the Constitutional Revolution by the interior ministry. In the catastrophic period of Ahmad Shah's ruling, such costs were a major problem for the interior, finance and the war ministries, none of which was willing to undertake such costs. During Reza Shah's ruling, the cannon-firing of and its costs were initially undertaken by the general staff of the army; subsequently, from January 1932, the ministry of the interior became responsible for such costs. Gradually, this tradition became obsoleted and was not carried out from Ramadan in 1940. Then, in 1943, Azan was broadcast from the radio for the first time and replaced the tradition.

Keywords: Ramadan cannon-firing, Naser-i-din Shah, Ahmad Shah, Reza Shah, radio, dawn, Iftar

1 Faculty Member of the Institute of Humanities and Cultural Studies, elhammalekzadeh@ihcs.ac.ir

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-08]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.7.6]

مقدمه

تشخیص درست اول فجر برای امساک و اول شب برای افطار از مهم‌ترین وجوه برپایی روزه در میان مسلمانان است. در گذشته این کار با توجه به طلوع و غروب خورشید و موقعیت ستارگان در آسمان انجام می‌شد و نتیجه آن از راه‌های گوناگون از جمله اذان گفتن به آگاهی مردم می‌رسید. در گذر اعصار و با گسترش اسلام و افزایش مسلمانان، اشکال مختلفی توسط مسلمانان در اقصی نقاط ممالک اسلامی به‌کار گرفته می‌شد تا به‌وسیله آن روزه‌داران از زمان آغاز روزه‌داری و پایان آن خبردار شوند. شلیک توپ که بر اثر طنین صدای آن مردم به رسیدن وقت سحر و افطار آگاه می‌شدند، یکی از بهترین روش‌هایی بود که در دوران معاصر توسط دولت‌های اسلامی و از جمله ایران مورد استفاده قرار گرفت. این رسم در ایران از زمان حکومت ناصرالدین شاه رواج یافت و با وجود صرف هزینه و لزوم تعلیم افراد ماهر در امر توپ‌اندازی، به‌طور رسمی توسط حاکمان ولایات انجام می‌شد. با استقرار حکومت مشروطه، تغییراتی در شئون مختلف اداره کشور حاصل شد که از جملهٔ آنها تخصیص هزینه شلیک توپ رمضان بود که در زمرهٔ وظایف وزارت داخله شمرده شد. اما با توجه به تشتت سیاسی و ناآرامی وضعیت کشور در دوران سلطنت احمدشاه، تأمین اعتبار توپ رمضان معضل بزرگی برای دولت گردید که وزارتخانه‌های داخله، مالیه و جنگ که هریک به‌نوعی با این کار در ارتباط بودند، از پذیرش مخارج مربوطه استنکاف و مسئولیت را از دوش خود ساقط می‌کردند.

این مقاله در پی پاسخ دادن به این سؤالات که اساساً شلیک توپ رمضان چه معنایی داشته، از چه زمانی مرسوم گردیده و دلیل منسوخ شدن آن، چه بوده است؟ همچنین با توجه به خلأ مطالعاتی در خصوص پیشینهٔ بررسی موضوع و فقدان منابع یا مآخذی که در این خصوص اطلاعاتی به‌دست داده باشند، لاجرم، تأکید مطالعاتی خود را بر داده‌های اسنادی گذارده است و با استفاده از اسناد آرشیو ملی ایران در بازه زمانی دوره سلطنت ناصرالدین شاه تا پایان حکومت رضاشاه، در صدد است ضمن واکاوی فعالیتی تحت عنوان شلیک توپ رمضان در ایام مذکور، به روند تحولاتی که به منسوخ شدن این رسم منجر شد بپردازد. بدیهی است در این رهگذر، آسیب‌ها، مشکلات و وقایعی نیز رخ داده‌اند که در بررسی کنونی مورد توجه نگارنده خواهد بود.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-08]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.7.6]

مروری بر مناسک روزه در ماه رمضان

روزه اسلامی، امساک مخصوصی است از خوردن خوراک و انجام دادن بعضی کارها که تفصیل آنها در کتاب‌های فقهی آمده است. این خودداری از خوراک و نوشیدنی و بعضی کارهای دیگر از طلوع فجر شروع می‌شود و با فرا رسیدن شب به پایان می‌رسد که حکم آن در بخشی از آیه ۱۸۷ سورهٔ بقره آمده است:

﴿ كُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتِمُّوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ ﴾.

(بخورید و بیاشامید تا رشتهٔ سپید بامداد از رشتهٔ سیاه [شب] بر شما نمودار شود، سپس روزه را تا [فرا رسیدن] شب به اتمام رسانید).[1]

صرف‌نظر از مفهوم رشته سفید و رشته سیاه که شرح و تفصیل آنها در کتب تفسیر و فقهی آمده است، بر سر تشخیص درست «فجر» و «لیل» از همان صدر اسلام اختلاف‌هایی نمایان شد که این اختلاف هنوز برقرار است و دست‌کم می‌توان آن را به گونه بارزی در میان شیعه و سنی مشاهده کرد. شرح نکات تفسیری و فقهی «رشته سپید و سیاه و فجر و لیل» از موضوع و صلاحیت این نوشتار بیرون است و برای آشنایی با آنها باید به کتاب‌های مربوط به این موضوع مراجعه کرد. با وجود این اختلاف و چگونگی تشخیص «فجر و لیل»، همواره داده‌هایی برای آگاه کردن مردم از سحر و افطار ماه رمضان وجود داشت که عموم مسلمانان با اتکاء به همان روش‌های همگانی از جمله اعتماد به قول علما که بازتاب آن به‌صورت پخش اذان از مساجد هر کوی و برزنی جلوه‌گر می‌شد، روزه می‌گرفتند و ماه رمضان را به پایان می‌رساندند. فتوای علما نیز البته بر تجارب شخصی و آشنایی با موقعیت ستارگان در آسمان در فصل‌های مختلف سال متکی بود و آشنایی کامل با چگونگی حرکت ماه و جایگاه آن در آسمان و مهم‌تر از آن طلوع و غروب خورشید و یا استفاده از راه‌های دیگر از جمله بهره‌گیری از ابزار و آلات علمی را شامل می‌شد.

دربارهٔ آیت‌الله میرزا محمدحسین نائینی، عالم برجسته مشروطه‌خواه و نویسنده کتاب *تنبیه الامه و تنزیه المله* نوشته‌اند: با نگاه به آسمان، ساعت دقیق شروع تهجد خود و پس از آن هنگام اذان صبح را درمی‌یافت و بر اساس مشاهده شخصی خود، مشغول تهجد و نماز می‌شد.

۱ عباس ریاضی کرمانی (۱۳۵۲)، «ساعات توپ سحر و توپ افطار»، *مجله گوهر*، ش ۸، ص۷۵۲.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-08]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.7.6]

بسیاری از افراد نیز که زندگی طبیعی داشتند و ساعت فیزیولوژیکی بدن آنها مانند شهرنشینان مختل نشده بود، به‌طور طبیعی اوقات طلوع و غروب خورشید را در سراسر سال می‌دانستند و با اتکاء به آن عبادات دینی خود را در هنگام خود انجام می‌دادند. استفاده از ابزار علمی برای این منظور، داستان شیرینی دارد که با گرویدن اقوام و ملل مختلف به اسلام آغاز شد و در دوران طلایی تمدن اسلامی به اوج خود رسید.

کمال‌الدین عبدالرزاق معروف به ابن الفوطی در بیان حوادث سال ۶۳۳ق. نوشته است: «در آن سال، بنای ایوانی که در مقابل مدرسه مستنصریه[1] ساخته شده بود، کامل شد ... در دیوار این صفه دایره‌ای بود که صورت فلک در آن ترسیم شده بود و نیز طاق‌هایی ظریف که درهای ظریفی داشتند. در دایره دو باز زرین در دو طاس زرین بود و پشت سر آنها دو مهره که دیده نمی‌شدند و هر ساعت که می‌گذشت دهان بازها گشوده می‌شد و مهره‌ها از دهانشان می‌افتاد و هر بار که مهره‌ای می‌افتاد، در یکی از طاق‌ها باز می‌شد. درها که به رنگ زر بود به رنگ سیم درمی‌آمدند و چون در مهره درون طاس‌ها می‌افتادند، درها به‌جای خود باز می‌گشتند. سپس قمرهایی از زر در آسمان لاجوردی این فلک با طلوع خورشید حقیقی، طلوع می‌کردند و همراه با دوران آن می‌گردیدند و با غایب شدن آن غایب می‌شدند. چون شب درمی‌رسید، در آن‌جا اقماری بود که طلوع می‌کردند ... سپس دایره دیگر آغاز می‌گردید تا شب به پایان رسد و خورشید طلوع کند و بدین‌گونه اوقات نمازها [و به تبع آن اوقات سحر و افطار یعنی هنگام نماز صبح و مغرب] دانسته می‌شد»،[2] و بر اساس آن مؤذنان اذان می‌گفتند و مردم را آگاه می‌کردند.

در ایران نیز به‌عنوان یکی از ممالک اسلامی، همین شیوه‌ها برای تعیین اوقات نماز و به‌ویژه هنگام سحر و افطار در ماه رمضان به‌کار گرفته می‌شد و حاصل آن از طریق اذان به آگاهی مردم می‌رسید. اما گفتن اذان شیوه مطمئنی برای آگاه کردن مردم از مواقع دقیق و

---

۱ مدرسه مُستَنصَریّه که به دستور مستنصربالله در سال ۶۳۱ ق. ساخته شد از قدیمی‌ترین مدرسه‌های دینی به‌جای مانده از دوران خلافت عباسی در شهر بغداد است که بعدها ضمیمهٔ مدرسهٔ نظامیه گردید. در این مدرسه علوم دینی مذاهب چهارگانه اهل سنت تدریس می‌شد. برای اطلاعات بیشتر نک: فیلیپ خوری حتی (۱۳۸۰)، *تاریخ عرب*، ترجمهٔ ابوالقاسم پاینده، تهران: آگاه و شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ص۵۲۷.

۲ عبدالرزاق بن احمد بن الفوطی (۱۳۸۱)، *الحوادث الجامعه (رویدادهای قرن هفتم هجری)*، ترجمهٔ عبدالمحمد آیتی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ص۵۱.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-08]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.7.6]

درست سحرها و افطار ماه رمضان نبود. زیرا در همه محلات شهرها و روستاهای اطراف شهرها مسجد نبود و در جاهایی هم که مسجد بود به دلیل نبودن بلندگو و دیگر وسایل تقویت صدا، بانگ اذان به گوش بسیاری از مردم نمی‌رسید و طنین آن از چند متر فراتر نمی‌رفت. از این رو مردم هر شهر و آبادی راه‌های دیگری برای آگاهی از اوقات شرعی ماه رمضان اندیشیده بودند.

اصرار فراوان برای تعیین دقیق وقت اذان صبح و مغرب در ماه رمضان بدین سبب بود که روزه گرفتن در ماه رمضان اهمیت فراوانی داشت و تقریباً همه افراد حتی کسانی که نماز نیز نمی‌خواندند، روزه می‌گرفتند. شادروان عبدالله مستوفی شرحی دلکش و خواندنی درباره مراسم ماه رمضان در تهران در کتاب معروف خود *شرح زندگانی من* آورده و درباره اهمیت روزه‌داری نوشته است:

«شب‌های ماه رمضان را به‌خصوص در تابستان مردم تا صبح بیدار می‌ماندند و این کار در تمام طبقات مرسوم بود. بعضی مشغول عبادت و خواندن دعا و قرآن می‌شدند و برای درک ثواب، هر شب تا صبح بیدار می‌ماندند. زمره‌ای، شب‌ها بیدار می‌ماندند که صبح‌ها تا نزدیک ظهر بتوانند بخوابند و اثر روزه در آنها کمتر باشد. بالاخره دسته سومی هم بودند که شب را به قمار صبح می‌کردند و می‌گفتند، اگر به این سرگرمی مشغول نشوند، ناچارند بخوابند و روز دیگر خواب نمی‌روند و روزه برای آنها مشکل خواهد شد. این دسته بیشتر اعیان‌زاده‌ها بودند، ولی روزه را در هر حال می‌گرفتند و اگر اشخاصی بودند که می‌خواستند طفره بروند، چون حتی در خانه خود هم جایی نداشتند که روزه‌خوری کنند، ناچار بودند هم‌رنگ جماعت باشند».

مستوفی سپس ماجرایی را از قول احمد منشور نقل کرده که می‌گفت: «با برادرم موقر شبی در مجلس قمار تا صبح مشغول بودیم، چون به سحری نرسیدیم، روزه را خورده به‌عمد به منزل آمدیم. خبر روزه‌خواری ما زودتر از خودمان به منزل رسیده بود، همین که وارد شدیم، مادرم از ما رو گرفت، چند روز با ما مثل جذامی‌ها رفتار می‌کردند. قدغن شده بود نوکر و خدمتکار دور و ور ما نمی‌آمدند، غذا که برای ما می‌آوردند، در اتاق گذاشته فرار می‌کردند. ظرف‌های غذای ما را علی‌حده و مخصوصاً در حضور ما کنار حوض خاکمال می‌کردند تا بالاخره به وساطت برادرهای بزرگ‌تر ما را توبه رسمی دادند، آن وقت ما را به عضویت خانه پذیرفتند».[1]

۱ عبدالله مستوفی (۱۳۷۱)، *شرح زندگانی من*، ج۱، تهران: زوار، ص ۳۲۸.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-08]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.7.6]

این شب‌زنده‌داری‌ها گذشته از مزایای عبادی و غیرعبادی آن، خود عاملی بود برای بیدار کردن خفتگان به منظور خوردن سحری و شروع روزه‌داری. بدین قرار برخی از شب‌زنده‌داران در ماه‌های گرم سال به پشت بام می‌رفتند و با صدای بلند قرآن می‌خواندند و دعا و مناجات می‌کردند و به این ترتیب همسایگان را برای سحری خوردن بیدار می‌کردند. اغلب نیز همسایه‌ها با هم قرار می‌گذاشتند که هر کس شب‌زنده‌داری می‌کرد و یا زودتر از دیگران بیدار می‌شد، با در زدن یا کوبیدن به دیوار همسایگان، آن‌ها را بیدار کند. برخی افراد نیز برای ثواب اخروی از کوچه‌ها می‌گذشتند و با خواندن اشعار مذهبی خفتگان را بیدار می‌کردند.[1]

در مناطق کردنشین همچون سایر نقاط، برای رؤیت هلال ماه و حلول ماه رمضان، به پشت بام خانه‌ها می‌رفتند و به محض دیدن هلال ماه، سه یا چهار نفر با دهل و سرنا در مرکز شهر به نواختن نوای مخصوص فرار سیدن ماه رمضان می‌پرداختند. بعد از شلیک توپ، آیین‌هایی چون پارشیو[2] انجام می‌شد که هر روز موقع سحر در شهر برپا می‌گردید که برای آگاه کردن مردم از زمان سحر بود. بدین ترتیب که با رفتن به پشت بام و گفتن پارشیو، وقت سحری خوردن را خبر می‌دادند و با پایان یافتن ماه مبارک رمضان و با حلول ماه شوال سه گلوله توپ شلیک می‌کردند.[3]

برخی از تهرانی‌هایی که دوران جوانی خود را در روزگار حکومت رضاشاه طی کرده بودند، برای دیگران تعریف کرده‌اند که در ماه رمضان و پیش از اذان صبح در پاره‌ای از محلات، افرادی از این کوچه به آن کوچه می‌رفتند و با صدای بلند می‌خواندند: «آب است و تریاک، قند است و چایی». این بیت در حقیقت هشداری بود به مردم که دیگر زمان امساک از خوردن و نوشیدن فرار سیده و معتادان به افیون نیز باید وسایل تریاک کشیدن را کنار بگذارند که موقع روزه و خودداری است.

شلیک توپ ماه رمضان

یکی از بهترین و دقیق‌ترین شیوه‌ها که شعاع زیادی از کشورهای اسلامی را دربر می‌گرفت، شلیک توپ در هنگام سحر و افطار ماه رمضان بود. درباره مرسوم شدن این شیوه در بیشتر

1 https://rasekhoon.net/forum/thread/48926/page1.

۲ رسم بر طبل کوبیدن هنگام رمضان که به زبان کردی پارشیو گفته می شود.

۳ برهان ایازی (۱۳۷۱)، *آئینه سنندج*، سنندج: نشر مؤلف، صص۱۹۸-۲۰۲.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-08]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.7.6]

ممالک اسلامی از جمله شهرهای مختلف ایران، افسانه‌هایی گفته و در مقالات و کتاب‌ها نوشته‌اند.[1] از میان این روایات آنچه به نظر می‌رسد معقول‌تر و پذیرفتنی‌تر باشد این است که می‌گویند محمدعلی پاشا (۱۷۶۹–۱۸۴۹م.)، والی مصر[2] که در ۱۸۰۴م. نایب السلطنه مصر شد و در ۱۸۳۳م. عثمانی‌ها را از مصر بیرون کرد و خود بر اریکه قدرت نشست، برای آزمایش یک عراده توپ که از آلمانی‌ها گرفته بود، روزی در ماه رمضان و مقارن غروب آفتاب فرمان داد که آن اسلحه جنگی را به‌کار اندازند و توپی شلیک کنند. همین کار کسانی را به این فکر انداخت برای آگاه کردن مردم از اوقات دقیق شرعی از شلیک توپ استفاده کنند. بدین ترتیب این کار مفید به‌تدریج از مصر به دیگر ممالک اسلامی کشیده شد و به ایران نیز رسید و رفته رفته به‌صورت سنتی مرسوم و واجب درآمد.[3]

از این پس با طنین غرش توپ در فضای شهر و آبادی، به هنگام غروب آفتاب، همگان متوجه می‌شدند که افطار است و می‌توانند با اطمینان کامل روزه خود را بگشایند و با شنیدن صدای توپ در سحر درمی‌یافتند که هنگام امساک است و باید از خوردن و آشامیدن دست بکشند و از انجام دادن کارهایی که روزه را باطل می‌کند، خودداری نمایند. شلیک توپ کار ساده و کم‌خرجی نبود و توپچی‌ها باید از کسانی انتخاب می‌شدند که آموزش‌های لازم را دیده و با ساختمان و طرز کار آن آشنا بودند.

توپ در حقیقت یکی از سلاح‌های جنگی است که کار آن از ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین توپ‌ها تا پیچیده‌ترین و مخوف‌ترین آنها، پرتاب گلوله‌های بزرگ به مسافت‌های دور است. پیداست چنین اسلحه‌ای نمی‌تواند در اختیار مردم قرار گیرد و استفاده از آن در انحصار

---

1 www.afghanistan.shafaqna.com.

۲ وی را بنیانگذار مصر نوین می‌دانند که در ۱۸۰۴م. نایب‌السلطنه مصر شد و در ۱۸۳۳م. عثمانی‌ها را از مصر بیرون کرد و خود بر اریکه قدرت نشست. در دوران حکومت وی، مصر روزهای پر فراز و نشیبی را پشت سر نهاد و اصلاحات اساسی در بخش‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، کشاورزی، ارتش، روابط خارجی و ... انجام شد. برای اطلاعات بیشتر نک: اکبر خدایی علی‌آبادی (۱۳۸۸)، *اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مصر در دوره محمدعلی پاشا خدیو مصر (۱۲۶۵-۱۲۲۰ق/۱۸۰۵-۱۸۴۸م.)*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان.

Warren Isham; George Duffield; Warren Parsons Isham; D Bethune Duffield; & Gilbert Hathaway (1858), *Travels in the two hemispheres, or, Gleanings of a European tour,* Doughty, Straw: Michigan University, pp. 70–80.

3 https://rasekhoon.net/forum/thread/48926/page1/; http://www.mehrnews.com/news/3676971; www.asrenow.com.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-08]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.7.6]

نیروهای نظامی است و از این رو در همه جا، دولت‌ها مالک آن و دیگر اسلحه‌ها و ادوات جنگی هستند. در گذشته نیز که در شهرهای مختلف ایران برای آگاه کردن مردم از اوقات شرعی در ماه رمضان و اعیاد ملی و مذهبی از توپ استفاده می‌شد، اجرای آن به عهده حکومت بود و چگونگی استفاده از آن تابع قواعد و مقررات مخصوص. به همین سبب همواره یکی از نهادهای دولتی مسئولیت طرح و اجرای شلیک توپ در اوقات تعیین شده را به عهده داشت و پیوسته آن را به‌طور منظم و قانونمند به انجام می‌رساند. با پیروزی انقلاب مشروطه و صدور فرمان مشروطیت در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ ش، اجرای مراسم شلیک توپ نیز همواره ادامه داشت و هیچگاه تعطیل نشد، اما تنش‌های سیاسی و هرج و مرج حاصل از اوضاع جامعه بر اجرای آن اثر گذاشت که مهم‌ترین آن تأمین هزینه‌های آن در ایالات و ولایات بود که اسناد مورد استفاده در این نوشتار بیانگر گوشه‌ای از مشکلات و تنگناهای دولت در اجرای این مراسم بود.

آنچه در وهلهٔ اول برای اجرای مراسم شلیک توپ اهمیت ویژه‌ای داشت، هزینه آن بود و اینکه این هزینه از کجا تأمین شود. در روزگار ناصرالدین شاه، همه مخارج این مراسم به عهده حاکم ولایات بود و هر حاکم موظف بود افزون بر پرداختن هزینه شلیک توپ در ماه رمضان، مخارج این کار را در اعیاد اسلامی و مراسم روز تولد شاه فراهم کند. با وجود این همواره بعضی از حاکمان ولایات که اغلب آنها فرزندان و نوادگان فتحعلی‌شاه و دیگر شاهزادگان قاجاری بودند، وظیفهٔ خود را انجام نمی‌دادند و پرداخت هزینه مراسم را به گردن عوامل و اجزای حکومت می‌انداختند. چنانکه در سال ۱۳۱۲ق. که همه خود را برای جشن‌های پنجاهمین سال سلطنت ناصرالدین شاه آماده می‌کردند، منتصرالملک حاکم بهبهان از پرداخت هیجده تومان هزینهٔ شلیک توپ در ماه رمضان همان سال سرباز زده و آن را به عهدهٔ میرزا موسی‌خان سرتیپ تلگرافخانه انداخته بود[۱] و چون از پرداختن پول طفره می‌رفت،[۲] میرزا موسی‌خان تلگراف شکایت‌آمیزی به تهران کرد و در آن نوشت: «این قبیل مخارج به عهده تلگرافچی که نیست، باید حکومت بدهد. مستدعی است امر فرمایند قبول کند».[۳]

۱ س ا م ا، اختصاری سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران است که جهت پرهیز از تطویل، در همه‌جا چنین ذکر می‌شود.
۲ سند شماره ۱۷۸۳۵/۳ - ۲۹۶، س ا م ا.
۳ سند شماره ۱۷۸۳۵/۲- ۲۹۶، س ا م ا.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.7.6]

در پاسخ به دادخواهی میرزا موسی‌خان، عین‌الملک در تلگرافی به حاکم بهبهان بر این نکته تأکید کرد که: «مسلم است، این‌گونه مخارج با حاکم ولایت است [و] همه‌ساله معمول است وجه شلیک ماه رمضان را از حاکم ولایت دریافت می‌نمایند».[۱] با پیروزی انقلاب مشروطه و سر و سامان گرفتن وزارتخانه‌ها، پرداخت هزینه شلیک توپ به عهده وزارت داخله گذاشته شد. با این همه به سبب نابسامانی‌هایی که در دوران سلطنت احمدشاه سراسر کشور را فرا گرفته بود و دولت‌های دوران مشروطه نیز ناتوان‌تر از آن بودند که اوضاع آشفته را به سامان رسانند، موضوع تهیه مخارج شلیک توپ ماه رمضان معضلی شد که وزارتخانه‌های داخله، مالیه و جنگ درگیر آن شدند و هرکدام پرداخت هزینهٔ آن را به گردن دیگری می‌انداخت. با نزدیک شدن رمضان ۱۳۳۴ق. و تأسیس «اداره قشونی» در قزوین، حکومت آن شهر که می‌پنداشت در هر جا و به هر مناسبتی گلوله‌ای شلیک شود، هزینهٔ آن به عهدهٔ وزارت جنگ است، در ۳۱ جوزا [خرداد ۱۲۹۲ش.]، در نامه‌ای به وزارت داخله توضیح داد: «چون سابقاً ادارهٔ قشونی در قزوین نبود، حکومت [حاکم] از بدو ورود الی اکنون در موقع جشن‌های دولتی و اعیاد ملی و شهر [ماه] رمضان و غیره، یک‌صد و دو تومان و شش هزار [دینار = ۶ قران] مصارف شلیک را شخصاً متحمل بوده فعلاً که ادارهٔ قشونی در قزوین تشکیل شده حکومت در این باب شرحی به آن اداره اشعار داشت» و درخواست کرد، وزارت داخله پادرمیانی کند و مبلغ خرج شده را از «پیشکار مالیه» وزارت مالیه دریافت کند و ترتیبی دهد که «اداره قشونی هم در آتیه مصارف شلیک توپ را در مواقع لازمه بپردازد».[۲] پاسخ وزارت جنگ به حکومت قزوین و وزارت داخله این بود که: «اداره قشونی نمی‌تواند در این باب دخالتی نماید»،[۳] و مخارج شلیک توپ در ماه رمضان به عهدهٔ وزارت داخله است (نامه شمارهٔ وزارت جنگ به وزارت داخله در ۴ سرطان [تیر۱۲۹۵]/[۲۳ شعبان]۱۳۳۴ ق).[۴]

با این همه وزارت داخله پرداخت هزینه‌های مربوط به ماه رمضان را نمی‌پذیرفت و در نامهٔ شمارهٔ ۵۵۴۲/۱۲۸۶ که آن را در ۲۵ شعبان۱۳۳۴/[۶ تیر۱۲۹۵] برای وزارت مالیه

۱ سند شماره ۳/ ۱۷۸۳۵- ۲۹۶، س ا م ا.
۲ سند شماره ۴۰۱۹/۳۶ -۲۴۰، س ا م ا.
۳ سند شماره ۴۰۱۹/۳۳ -۲۴۰، س ا م ا.
۴ سند شماره ۳۹/ ۴۰۱۹ - ۲۴۰، س ا م ا.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.7.6]

فرستاد، تأکید کرد که آن وزارتخانه، قدغن کند «پیشکار مالیه مصارف شلیک را به حکومت بپردازد».[۱] این مخارج البته هزینهٔ تهیهٔ باروت را نیز دربر می‌گرفت و وزارت داخله نیز پرداخت این‌گونه هزینه‌ها را به عهده وزارت مالیه می‌گذاشت. چنانکه برای خرید باروت مورد نیاز حکومت استرآباد، در نامه‌ای به شماره ۵۵۹۳/۱۲۹۲۰ در ۲۶ شعبان ۱۳۳۴ق. به وزارت مالیه تصریح کرد که آن وزارتخانه باروت مورد نیاز را خریداری کند و در اختیار حکومت استرآباد بگذارد.[۲]

آشفتگی اوضاع کشور در دوران فترت میان صدور فرمان مشروطیت در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ تا کودتای۳ اسفند ۱۲۹۹ ش، به‌خصوص در دوران سلطنت احمدشاه بر کار وزارتخانه‌ها و نهادهای دولتی نیز تأثیر آشکاری گذاشته بود که نمونه بارز آن، مشخص نبودن مسئول طرح و اجرای مراسم شلیک گلوله توپ در ماه رمضان بود. با توجه به اسناد موجود به‌راستی معلوم نیست به انجام رسانیدن این کار مهم که اغلب مردم با آن درگیر بودند و می‌خواستند به‌طور دقیق بدانند، هنگام سحر و افطار ماه رمضان چه ساعتی است به عهده کدام وزارتخانه بود و اجرای آن در شرح وظایف کدام اداره و نهاد دولتی نوشته شده بود.

به نظر می‌رسد در آن اوضاع پریشان، با حلول هر ماه رمضان، حکومت هر شهر به هر نحوی که امکان داشت، مراسم شلیک توپ را در سحرها و هنگام افطار برگزار می‌کرد و پس از آن تا حلول ماه رمضان بعدی برای دریافت پولی که خرج کرده بود با این اداره و آن وزارتخانه نامه‌نگاری می‌کرد. در تلگراف شماره ۷۹ حکومت گیلان به وزارت داخله در اول سرطان [۲۰/۱۲۹۵ شعبان۱۳۳۴]، شمه‌ای از این آشفتگی دیده می‌شود. در این تلگراف تصریح شده که «قیمت باروت را همیشه اداره مالیه» می‌داد، اما برای پرداخت مخارج شلیک توپ در سحرها و افطارهای ماه رمضان ۱۳۳۴، ادارهٔ مالیه گیلان به آگاهی حکومت آن ولایت رساند که باید وزارت مالیه اجازهٔ این کار را صادر کند و از این رو لازم است وزارت داخله، رضایت و اجازهٔ وزارت مالیه را برای این کار جلب کند. جالب آنکه در همین تلگراف آمده است که «مخارج شلیک توپ پانزدهم شعبان – تولد امام زمان – را

۱ سند شماره ۴۰۱۹/۳۸ –۲۴۰، س ا م ا.
۲ سند شماره ۴۰۱۹/۴۰ –۲۴۰، س ا م ا.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.7.6]

صاحب منصب توپخانه داده» است که آن نیز باید پرداخت شود.[۱]

مخارج مراسم شلیک توپ در همه ولایات و ایالات، مبلغ قابل توجهی بود و افزون بر مراسم ماه رمضان و اعیاد اسلامی و ملی و دولتی، تعمیرات ادواری عراده‌های توپ و دیگر هزینه‌های جانبی را نیز دربر می‌گرفت. چنانکه در نامهٔ حکومت بروجرد به وزارت داخله سخن از یک صد تومان برای تعمیر درست یک عراده توپ و چرخ و دیگر اجزای آن آمده است.[۲]

در ۲۵ رمضان ۱۳۳۴ق./۴ اسد [مرداد] ۱۲۹۵ش.، ادارهٔ جنوب وزارت داخله در نامه شماره ۱۶۵۸ خود به وزارت مالیه به آگاهی رساند: «سواد مشروحه ایالت بروجرد و لرستان را به انضمام صورت مصارف شلیک عید مولود مسعود همایونی و تعمیرات توپ لفاً ملاحظه و قدغن خواهید فرمود، در صورتی که این قبیل مخارج سابقاً از مالیه تأدیه می‌شده است، حالا هم با نظریات وزارت جنگ قرار تأدیهٔ آن را بدهند».[۳] در پیوست نامه شماره ۱۲۴۷ «خزانه‌داری کل ایران» به «مقام منیع وزارت جلیله مالیه» در ۱۲ برج اسد [مرداد]۱۲۹۵ش.[۴] اطلاعات بسیار جالب و ریزتری دربارهٔ «تعیین صورت شلیک‌های توپ اعیاد و ماه رمضان» آمده است که عبارت‌اند از:

صورت شلیک توپ سنهٔ ماضیه ۱۳۳۴

عید مولود حضرت امیر(ع) سیزدهم شهر رجب[۵]	۱۱ تیر
عید مولود حضرت امام حسین(ع) سوم شعبان[۶]	۱۱ تیر
عید مولود حضرت قائم علیه السلام ۱۵ شعبان[۷]	۱۱ تیر
عید مولود و تاجگذاری اعلی‌حضرت همایونی [احمدشاه] ۲۷ شعبان[۸]	۱۱ تیر
شلیک شهر رمضان	۶۲ تیر

۱ سند شماره ۴۰۱۹/۴۴ -۲۴۰، س ا م ا.
۲ سند شماره ۴۰۱۹/۱۱ -۲۴۰، س ا م ا.
۳ سند شماره۴۰۱۹/۱۳ -۲۴۰، س ا م ا.
۴ سند شماره۴۰۱۹/۲۱ -۲۴۰، س ا م ا.
۵ اصل سند: شهر شعبان.
۶ اصل سند: بیست و چهارم شعبان.
۷ اصل سند: ۲۵ شعبان.
۸ تاریخ تولد احمدشاه قاجار در منابع ۱۷ شعبان ۱۳۱۴ قمری برابر با ۲ بهمن ۱۲۷۵ شمسی ذکر شده است. تاریخ ۲۷ شعبان مندرج در سند کنونی معادل روز تاجگذاری احمدشاه بوده است.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.7.6]

عید فطر	۱۱ تیر
عید غدیر و اضحی[۱]	۲۲ تیر
تولد حضرت رسول(ص)	۱۱ تیر

به این ترتیب در سال ۱۳۳۴ق. گویا در هر ایالت و ولایتی ۱۵۰ تیر توپ شلیک شد که بنا بر همان فهرست قیمت هر تیر توپ، «شش قران» بود که در مجموع هزینه آن برای هر ولایت ۹۰۰ ریال تمام می‌شد که باید پرداخت می‌گردید. جالب آنکه در نوشتن این فهرست آن‌قدر بی‌دقتی و بی‌مسئولیتی به‌کار رفته بود که تاریخ تولد امام علی(ع) و امام حسین(ع) و حضرت قائم(ع) نادرست ثبت شده بود که گویا بر اثر تذکری که مسئولان وزارت مالیه به تهیه‌کنندگان این فهرست داده بودند، نویسندگان آن به‌جای اصلاح نادرستی‌ها، فهرست دیگری تهیه کردند که تاریخ‌های مورد نظر به کلی حذف شد. اما این فهرست که در آن عید فطر از عید اضحی جدا و عید نوروز نیز به آن اضافه شد، چنین است:

صورت شلیک توپ هذه السنه ۱۳۳۴[ق]

عید نوروز	۱۱ تیر
عید مولود حضرت امیر(ع)	۱۱ تیر
عید مولود حضرت سید الشهداء	۱۱ تیر
عید مولود حضرت قائم عجل الله فرجه	۱۱ تیر
عید مولود و تاجگذاری اعلی حضرت همایونی	۱۱ تیر
ایام شهر رمضان	۶۲ تیر
عید فطر	۱۱ تیر
عید اضحی	۱۱ تیر
عید غدیر	۱۱ تیر
تولد حضرت رسول(ص)	۱۱ تیر

جمع ۱۶۱ تیر از قرار تیری شش قران[۲]

۱ عید قربان

۲ سند شماره ۴۰۱۹/۲۰ -۲۴۰، س ا م ا.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-08]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.7.6]

به نظر می‌رسد با توجه به نادرستی‌های فهرست اول، عنوان آنکه «صورت شلیک توپ سنه ماضیه ۱۳۳۴» بود نیز نادرست است و به‌جای «هذه السنه» نوشته شده بود و عید نوروز نیز از قلم افتاده و به‌خاطر بی‌دقتی عید فطر و عید اضحی نیز با هم نوشته شده بود.

به هر حال آنچه مهم است این نکته است که خزانه‌داری کل، مقدار شش قران برای هر تیر توپ را پذیرفت، اما به تعداد تیرهای شلیک شده ایراد گرفت و دربارهٔ آن نوشت: «قبلاً دستوری در این خصوص نداشته که تفتیش نماید»؛ از این رو «فقط شلیک توپ‌های ماه مبارک رمضان را تصدیق» نمود.[۱]

با وجود این در نتیجه این پژوهش نیز معلوم نشد چرا در عید نوروز و اعیاد اسلامی به‌جای مثلاً شلیک یک گلوله توپ، در هر یک از روزهای مزبور ۱۱ گلوله شلیک شد. تنها فرضیه‌ای که شاید اثبات آن نیز ممکن نباشد اشاره به ۱۱ امام شیعی درگذشته است که به شکل نمادین شلیک می‌شده‌اند و تیر دوازدهم به امام زمان(ع) تعلق دارد که چون هنوز ظهور نکرده، بالطبع شلیک نمی‌شده است.

طبق اطلاعات مأخوذه، خزانه‌داری کل پرداخت تیرهای شلیک شده را نپذیرفت و فقط تیرهای شلیک شده در روزهای ماه رمضان را تصدیق کرد که می‌تواند نشانی از فساد اداری در دوران مشروطه باشد که مراسم شلیک توپ را به مجرایی برای «مداخل» تبدیل کرده بود. هرچند درستی و نادرستی این مبحث نامعلوم است و دلیلی بر تأیید یا نفی آن در دست نیست. قیمت گلوله توپ در همه‌جا یکسان نبود و این خود باعث بروز مشکلاتی دیگر می‌شد. در ۱۹ اسد [مرداد] ۱۲۹۵ش./۱۰ شوال ۱۳۳۴ق.، حکومت گیلان تلگرافی با شماره ۴۳۲ برای وزارت مالیه فرستاد و در آن تصریح کرد: «صرف شلیک ماه رمضان از بابت وقت افطار و سحر و روز عید فطر که شصت و یک تیر و از قرار تیری نُه هزار و پانصد دینار [نُه قران و نیم][۲]، [با] مخارج کیسه و باروت شده» این مبلغ را که در مجموع «پنجاه و هفت تومان و نُه هزار و پانصد دینار» می‌شد، حکومت گیلان پرداخته بود و از این رو از وزارت مالیه درخواست کرده بود: «نظر به ترقی قیمت کلیه اجناس، سایر اعیاد هم که هر دفعه

۱ سند شماره ۴۰۱۹/۲۱ –۲۴۰، س ا م ا.

۲ در دوران قاجار، هر دینار معادل ۱/۱۰۰۰ قران بود. (نک: حسن عمید (۱۳۵۹)، *فرهنگ عمید*، ج ۲، تهران: انتشارات امیرکبیر، ص۱۵۹۷).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-08]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.7.6]

بایستی بیست و یک تیر شلیک شود، عجالتاً همان مأخذ فوق تخمین و برآورد شده ... برای مخارج شلیک علی‌الحساب در سال دویست و پنجاه تومان به اداره اعتبار مرحمت فرمایند».[۱]

در پاسخ به این تلگراف و نیز گزارش اداره مالیه آذربایجان دربارهٔ هزینه شلیک گلوله که اصل آن به شماره ۱۱۶۰۰ پیش از فرستاده شدن برای وزارت مالیه به وزارت جنگ فرستاده و از آن وزارتخانه درخواست شده بود همه مخارج مراسم شلیک توپ در ماه رمضان و اعیاد اسلامی و ملی را بپردازد، وزارت جنگ در نامهٔ شمارهٔ ۱۷۲۷۱– ۲۳۵۳ خود به وزارت مالیه در ۱۸ برج اسد [۱۲۹۵ش.]/۹ شوال ۱۳۳۴ق.، از خود سلب مسئولیت کرد و تصریح نمود: «مصارف شلیک اعیاد و ماه رمضان جزو بودجهٔ وزارت جلیله داخله است و می‌بایست از آن وزارتخانه در این خصوص به حکام تعلیمات داده شده باشد و به وزارت جنگ مربوط نیست».[۲]

شلیک گلوله توپ در سحرهای ماه رمضان و هنگام افطار فقط برای آگاه کردن مردم بود و به هیچ رو فعالیت نظامی به شمار نمی‌رفت، چنانکه استفاده از توپ و شلیک توپ در اعیاد اسلامی و ملی و روز تولد شاه فقط برای ابراز شادمانی بود و هدف دیگری در کار نبود. به همین سبب وزارت جنگ به‌درستی از خود سلب مسئولیت می‌کرد و زیر بار پرداخت هزینه‌های شلیک توپ نمی‌رفت و آن را بنا بر حکم قانون به عهدهٔ وزارت داخله می‌گذاشت. با وجود این وزارت داخله نیز از انجام دادن وظیفه قانونی خود شانه خالی می‌کرد و آن را به گردن وزارت مالیه می‌گذاشت. در ۵ رمضان ۱۳۳۴ق./۲۱ سرطان [تیر ۱۲۹۵ش.]، وزارت داخله در نامه‌ای به شماره ۵۹۲۱/۱۳۵۴ به وزارت مالیه پرداخت «مصارف شلیک توپ ماه رمضان» را از آن وزارتخانه درخواست و توصیه کرد: «قدغن فرمائید حواله پرداخت» مصارف شلیک توپ ماه رمضان در استرآباد را خیلی زود و بدون فوت وقت پرداخت کند و نتیجهٔ آن را نیز برای وزارت داخله بفرستد.[۳]

به نظر می‌رسد علت اصلی اینکه سه وزارتخانه مالیه، داخله و جنگ از پرداخت مخارج شلیک گلوله در ماه رمضان و اعیاد ملی و مذهبی طفره می‌رفتند، نبودن ردیف مشخصی در این

۱ سند شماره ۴۰۱۹/۱۵ –۲۴۰، س ا م ا.
۲ سندهای شماره ۴۰۱۹/۱۶ –۲۴۰ ؛ ۴۰۱۹/۲۳ –۲۴۰ س ا م ا.
۳ سندهای شماره ۴۰۱۹/۲۸ –۲۴۰ ؛ ۴۰۱۹/۳۱ –۲۴۰، س ا م ا.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.7.6]

باره در بودجهٔ سالیانهٔ دولت‌های مشروطه بود. با اینکه شلیک گلوله در ماه رمضان از اهمیت زیادی برخوردار بود و دقیقاً مانند پخش اذان از صدا و سیمای جمهوری اسلامی بوده است و همان‌طورکه در روزگار ناصرالدین شاه، حاکمان ولایات ملزم به پرداخت هزینه‌های آن بودند، پس از مشروطه نیز این کار وظیفهٔ دولت بود و هر دولتی باید بودجه مشخصی برای آن در نظر می‌گرفت و پرداخت آن را به یکی از وزارتخانه‌های داخله یا مالیه واگذار می‌کرد.

در حاشیهٔ نامهٔ شمارهٔ ۹۵۲۲/۱۳۵۳ وزارت داخله به وزارت مالیه در نوشته‌ای بدون امضاء و خطاب به دایره مخارجات آمده است: «این مخارج اگر بالصراحه در بودجه پیش‌بینی نشده باشد، باید از محل اعتبار صدی ۳ وزارت داخله پرداخته شود».[۱]

به این ترتیب بنا بر نظر کارشناسانه وزارت مالیه، پرداخت تمام هزینه‌های شلیک توپ در ماه‌های رمضان و اعیاد ملی و مذهبی به عهده وزارت داخله بود مگر در بودجه سالیانه دولت، ردیفی مشخص برای این مراسم در نظر گرفته و نوشته شود. نظر کارشناسانه وزارت مالیه، البته به محاق رفت و کسی به آن توجه نکرد. از این رو با پایان یافتن ماه رمضان ۱۳۳۴ق. نامه‌نگاری میان حکومت ولایات مختلف با وزارت داخله در تهران آغاز شد تا پول‌های خرج شده در ماه رمضان به نحوی دریافت شوند. در نامهٔ شماره ۱۸۵۸۰/۸۱۴۴ وزارت مالیه به وزارت داخله در اول ذی حجه ۱۳۳۴ق./۷ میزان [مهر]۱۲۹۵ش. «راجع به مصارف شلیک ماه رمضان و اعیاد» آمده است: «در این موضوع متوالیاً چه از آن وزارت جلیله و چه از مالیه ولایات کتباً و تلگرافاً تقاضای پرداخت آن را می‌نمایند ... مستدعی است، هرچه زودتر تصمیم اولیای آن وزارت جلیله را اشعار فرمایند. تا دستور لازم به مالیه ولایات داده شود».[۲]

در پاسخ به این نامه مانند دیگر نامه‌ها و تلگراف‌ها، وزارت داخله پولی پرداخت نکرد و آن را به عهده حکومت ولایات نهاد و نوشت: «نظر به جزئی بودن مخارج مزبور، خوب است حکومت از خود تأدیه نموده و عجالتاً تحمیل این قلیل مخارج را به دولت ننمایند».[۳]

با انقراض قاجاریه و روی کار آمدن رضاشاه و سروسامان گرفتن امور و منظم شدن کار

۱ سند شماره ۴۰۱۹/۳۱ -۲۴۰، س ا م ا.
۲ سند شماره ۴۰۱۹/۹ -۲۴۰، س ا م ا.
۳ سند شماره ۴۰۱۹/۸ -۲۴۰، س ا م ا.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.7.6]

وزارتخانه‌ها، بنا بر تلگراف نمرهٔ ۶۶ وزارت داخله به حکومت بنادر، در ۲۱ بهمن ۱۳۰۷ش. وزارت جنگ به ادارهٔ قشونی شهرها دستوری داد که مراسم شلیک توپ را در سحرها و هنگام افطار اجرا کنند.[۱] درحالی‌که هزینهٔ اجرای این مراسم با توجه به مفاد نامهٔ تیپ مختلط مستقل فارس به ادارهٔ ایالتی فارس در ۱۴ دی ۱۳۱۰ش. به عهدهٔ ارکان حرب کل قشون بود که از دی ۱۳۱۰ش. به فرمان رضاشاه به عهدهٔ وزارت داخله گذاشته شد. در نامهٔ شماره ۱۰۱۶۳[۲] و نامهٔ شمارهٔ ۱۹۵۳۶،[۳] در پی همین تغییر با توجه به نامه شمارهٔ ۸۳۳۶ نظمیهٔ فارس به «مقام منیع ایالت جلیله فارس» در ۱۸ دی ۱۳۱۰ش. اجرای مراسم شلیک توپ در ماه‌های رمضان به عهدهٔ وزارت داخله گذاشته شد.[۴]

افزون بر پرداخت هزینه مراسم ماه رمضان، کارهای دیگری در همان دی ۱۳۱۰ش. به انجام رسید که مهم‌ترین آن، حفظ جان مردم در هنگام شلیک توپ بود. در نامهٔ شمارهٔ ۸۳۳۶ تشکیلات کل نظمیه مملکتی وزارت داخله به ایالت فارس در ۱۸ دی ۱۳۱۰ش. آمده است: «شلیک توپ در ماه رمضان باید در مکانی باشد که صدای آن به شهر رسیده و ضمناً موجبات خطر برای عابرین فراهم نشود». جالب آنکه چون مراسم شلیک توپ در ماه رمضان از جمله شعائر مذهبی به‌شمار می‌رفت، قاضی عسگرهای مستقر در قشون هر شهر مسئولیت این کار را به عهده داشتند. چنانکه «آقا شیخ محمد جواد دیانی قاضی عسگر قشون» تیپ مستقل فارس «متصدی این عمل» بود و همه‌ساله بر آن نظارت می‌کرد.[۵]

پیشتر اشاره شد که پرداخت هزینهٔ مراسم ماه رمضان به عهدهٔ وزارت داخله گذاشته شد و وزارت داخله نیز به‌درستی این مخارج را از بودجهٔ بلدیه هر شهر تأمین می‌کرد. بدین ترتیب مراسم شلیک توپ قانونمندتر و منظم‌تر شد (متحد المآل وزارت داخله نمرهٔ ۲۱۵۴، مورخ ۲۴ دی ۱۳۱۰؛[۶] سواد مراسله تیپ مستقل فارس به بلدیه شیراز در ۲۱ آذر ۱۳۱۱).

با این همه بر اثر گذشت زمان و دگرگون شدن اوضاع اجتماعی در دوران حکومت

۱ سند شماره ۱۹۵/۶-۳۵۵، س ا م ا.
۲ سند شماره ۸/ ۷۱۷۲- ۳۵۰، س ا م ا.
۳ سند شماره ۹ /۷۱۷۲ - ۳۵۰، س ا م ا.
۴ سند شماره ۷۱۷۲/۷ - ۳۵۰، س ا م ا.
۵ سند شماره ۷۱۷۲/۷ - ۳۵۰، س ا م ا.
۶ سند شماره۷۱۷۲/۶ - ۳۵۰.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.7.6]

رضاشاه، از متحدالمآل وزارت داخله بر می‌آید که شلیک توپ در ماه رمضان به‌تدریج در تعدادی از شهرها کنار گذاشته شد و از شیوه‌های دیگری برای آگاه کردن مردم استفاده می‌شد. متن متحدالمآل وزارت داخله با امضای علی منصور وزیر داخله چنین است: «قدغن فرمائید مخارج شلیک توپ را در ماه رمضان هرگاه در آنجا معمول است، از بودجه بلدیه محل در وجه اداره قشونی که متصدی این عمل است بپردازند».[۱] با وجود این، با توجه به اسناد موجود، مراسم شلیک توپ در ماه رمضان کم‌وبیش ادامه داشت و بودجهٔ آن که در رمضان۱۳۵۳ق./دی و بهمن۱۳۱۴ش. برای شلیک هر تیر به ۲۱ ریال و ۷۵ دینار رسیده بود، (نامه بلدیه اصفهان به وزارت داخله در ۳ شهریور ۱۳۱۵ و شماره۳۴۳۰)[۲] از بودجه بلدیه یا «اعتبار غیرمترقبه» آن پرداخت می‌شد. (نامه شماره ۵۴۲۳ رئیس بلدیه شیراز به ایالت فارس در ۹ بهمن ۱۳۱۱).[۳]

مراسم شلیک توپ در اوقات شرعی ماه مبارک رمضان تا سال ۱۳۱۹ش. که به‌طور کلی منسوخ شد، کم‌وبیش در پاره‌ای از شهرها ادامه یافت. پس از شهریور۱۳۲۰ش. برای نخستین بار اذان شیخ کریم مؤذن پدر شادروان مؤذن‌زاده اردبیلی در سال ۱۳۲۲ش. از رادیو ایران پخش شد و از آن پس پخش اذان از همهٔ ایستگاه‌های رادیویی مرسوم شد و مراسم سحر و خواندن دعای مخصوص سحر و دیگر اذکار به‌صورت زنده با اجرای مداحان و روضه‌خوانانی که اولین آنها شیخ کریم مؤذن و آخرینشان سید جواد ذبیحی بود، به انجام رسید.

نتیجه‌گیری

برای آگاه کردن مسلمانان از آغاز و انجام روزه روزهای ماه رمضان از همان سده اول هجری که اسلام رفته رفته گسترش یافت و شمار مسلمانان روزافزون گشت، راه‌های گوناگونی در شهرها و بلاد اسلامی به‌کار گرفته شد که یکی از مؤثرترین آنها در دوران معاصر شلیک گلوله توپ به هنگام سحر و افطار در ماه رمضان بود. این شیوه کارآمد در ایران از زمان ناصرالدین شاه معمول شد. اما به سبب ناکارآمدی دولت و دستگاه حکومتی، حاکمان ولایات و ایالات همواره

۱ سند شماره۷۱۷۲/۶ – ۳۵۰، س ا م ا.
۲ سند شماره۸/ ۱۸۶۸ – ۲۹۱، س ا م ا.
۳ سند شماره۷۱۷۲/۴– ۳۵۰، س ا م ا.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.7.6]

بر سر تأمین هزینه اجرای این کار مردمی که سود آن به همگان می‌رسید، مناقشه بود و با آمـدن رمضان هر سال این مجادله شدت می‌گرفت. با این حال با هر ترتیبی بود به‌صورت مقطعی فیصـله می‌یافت تا سال بعد که دوباره سر بر می‌آورد. با روی کار آمدن رضاشاه، بـه‌رغـم ممنـوع شـدن پاره‌ای از مناسک مذهبی از جمله روضه‌خوانی و عزاداری در ماه محرم، مراسم شلیک توپ در ماه رمضان نه تنها ادامه یافت، بلکه قانونمندتر و ساماندهی شد. با این همه بـه سـبب هزینـه ایـن کار و نیز کمرنگ‌تر شدن مناسک دینی در حکومت غیردینی رضاشاه، در سال ۱۳۱۹ش. دولت خود را از انجام دادن این مراسم کنار کشید و اعلام وقت روزه‌داری را به مؤمنان سـپرد کـه بـه شیوهٔ سنتی خود آن را به انجام برسانند. این روند باقی بود تا در سال ۱۳۲۲ که برای نخسـتین بـار صدای مناجات و اذان از رادیو طنین‌انداز شد و به مرور در منازل و مساجد از این طریـق، اوقـات شرعی به اطلاع مردم می‌رسید.

منابع و مآخذ

- ابن‌الفوطی، عبدالرزاق‌بن‌احمد (۱۳۸۱)، *الحوادث الجامعه (رویدادهای قرن هفتم هجری)*، ترجمهٔ عبدالمحمد آیتی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- ایازی، برهان (۱۳۷۱)، *آئینه سنندج*، سنندج: نشر مؤلف.
- خدایی علی‌آبادی، اکبر (۱۳۸۸)، *اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مصـر در دوره محمـدعلی پاشا خدیو مصر (۱۲۶۵–۱۲۲۰ق/۱۸۰۵–۱۸۴۸م)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علـوم انسانی دانشگاه اصفهان.
- حتی، فیلیپ خوری (۱۳۸۰)، *تاریخ عرب*، ترجمهٔ ابوالقاسم پاینده، تهران: آگاه و شرکت انتشارات علمـی و فرهنگی.
- سند شماره ۱۷۸۳۵/۳ – ۲۹۶ ، س ا م ا.
- سند شماره ۱۷۸۳۵/۲– ۲۹۶ ، س ا م ا.
- سند شماره ۴۰۱۹/۳۶ –۲۴۰ ، س ا م ا.
- سند شماره ۴۰۱۹/۳۹ – ۲۴۰، س ا م ا.
- سند شماره ۴۰۱۹/۳۸ –۲۴۰، س ا م ا.
- سند شماره ۴۰۱۹/۴۰ –۲۴۰، س ا م ا.
- سند شماره ۴۰۱۹/۴۴ –۲۴۰ ، س ا م ا.
- سند شماره ۴۰۱۹/۱۱ –۲۴۰ ، س ا م ا.
- سند شماره ۴۰۱۹/۱۳ –۲۴۰ ، س ا م ا.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-08]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.7.6]

- سند شماره ۴۰۱۹/۲۱ –۲۴۰ ، س ا م ا.
- سند شماره ۴۰۱۹/۱۱ –۲۴۰ ، س ا م ا.
- سند شماره ۴۰۱۹/۲۰ –۲۴۰ ، س ا م ا.
- سند شماره ۴۰۱۹/۲۱ –۲۴۰ ، س ا م ا.
- سند شماره ۴۰۱۹/۱۵ –۲۴۰ ، س ا م ا.
- سند شماره ۴۰۱۹/۱۶ –۲۴۰، س ا م ا.
- سند شماره ۴۰۱۹/۲۳ –۲۴۰ س ا م ا.
- سند شماره ۴۰۱۹/۲۸ –۲۴۰ ، س ا م ا.
- سند شماره ۴۰۱۹/۳۱ –۲۴۰ ، س ا م ا.
- سند شماره ۴۰۱۹/۳۱ –۲۴۰ ، س ا م ا.
- سند شماره ۴۰۱۹/۹ –۲۴۰ ، س ا م ا.
- سند شماره ۴۰۱۹/۸ –۲۴۰ ، س ا م ا.
- سند شماره ۱۹۵/۶–۳۵۵، س ا م ا.
- سند شماره ۷۱۷۲/۸– ۳۵۰، س ا م ا.
- سند شماره ۷۱۷۲/۹ – ۳۵۰، س ا م ا.
- سند شماره ۷۱۷۲/۷ – ۳۵۰، س ا م ا.
- سند شماره ۷۱۷۲/۶ – ۳۵۰، س ا م ا.
- سند شماره ۱۸۶۸/۸ – ۲۹۱، س ا م ا.
- سند شماره ۷۱۷۲/۴– ۳۵۰، س ا م ا.
- عمید، حسن (۱۳۵۹)، *فرهنگ عمید*، ج ۲، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۷۱)، *شرح زندگانی من*، ج ۱، تهران: انتشارات زوار.

- Isham, Warren; Duffield, George; Isham, Warren Parsons; Duffield, D Bethune; & Hathaway, Gilbert (1858), *Travels in the two hemispheres, or, Gleanings of a European tour,* Doughty, Straw: Michigan University.
- www.afghanistan.shafaqna.com.
- www.mehrnews.com/news/3676971.
- rasekhoon.net/forum/thread/48926/page1/.
- www.asrenow.com.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-11-08]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1396.9.35.7.6]